



با پیشرفت توانایی های پیونگ یانگ، سئول به چیزی بیش از اطمینان از واشنگتن نیاز دارد

گزینه‌های هسته‌ای کره جنوبی

سجاد عزلازده
مترجم

جنیفر لیند، دانشیار دولت در کالج دارتموث و پژوهشگر موسسه مطالعات ژاپنی رایشاور در دانشگاه هاروارد، و داریل جی پرت، مدیر ابتکار امنیت جهانی در مرکز دیکی برای تفاهم بین‌المللی و استاد دولت در کالج دارتموث، در مقاله‌ای با عنوان «گزینه‌های هسته‌ای کره جنوبی؛ با پیشرفت توانایی‌های پیونگ یانگ، سئول به چیزی بیش از اطمینان از واشنگتن نیاز دارد» که در وب‌سایت فارن افرز منتشر شده است، بر این عقیده هستند که با توجه به پیشرفت‌های هسته‌ای کره‌شمالی، کره جنوبی دیگر نمی‌تواند برای دفاع از خود بر ایالات متحده اتکا کند و باید خود به تسلیحات هسته‌ای دست یابد. در ادامه ترجمه این مقاله را می‌خوانید.

در ژانویه، اتحاد ایالات متحده و کره جنوبی تحت الشعاع پیشنهاد غافلگیرکننده یون سوک یول، رئیس‌جمهور کره جنوبی، قرار گرفت. کره جنوبی، به‌عنوان یکی از اعضای قانونمند نظام بین‌الملل و متحد کلیدی ایالات متحده، شاید به بازآرندگی هسته‌ای نیاز داشته باشد. این اظهارات بسیاری از کارشناسان سیاست خارجی را در ایالات متحده متحیر ساخت. آنها معتقد بودند که کره جنوبی نیازی به زرادخانه هسته‌ای ندارد؛ زیرا سئول از حمایت ایالات متحده برخوردار است. به علاوه، برنامه هسته‌ای کره جنوبی، ناقض پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده، شرق آسیا را بی‌ثبات کرده و کره جنوبی را در معرض تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی قرار خواهد داد. چند روز بعد، یون از اظهارات خود عقب‌نشینی کرد و اعلام کرد که کره جنوبی نیازی به سلاح هسته‌ای ندارد. به نظر می‌رسید که خشم حاصله دیگر فروکش کرده است.

اما مشکلی که وجود دارد این است که مشاهدات یون اساساً درست است. موازنه هسته‌ای در شبه‌جزیره کره به شکلی عمیق در حال تغییر است. به لطف توسعه توانمندی‌های هسته‌ای دوربرد کره‌شمالی، شهرهای ایالات متحده به‌زودی در هر جنگی در تیرس خطر قرار خواهند گرفت. در گذشته، واشنگتن می‌توانست از تهدید پاسخ هسته‌ای ایالات متحده استفاده کند تا کره‌شمالی را از استفاده از تسلیحات هسته‌ای علیه کره جنوبی منصرف کند؛ زیرا حتی در بدترین حالت هم، سئول و بوسان، و نه نیویورک و لس‌آنجلس، در معرض خطر بودند. اما موشک‌های کره‌شمالی به‌زودی می‌توانند به کل ایالات متحده برسند و این امر سیاستگذاران ایالات متحده را مجبور می‌کند تا میزان ریسک‌شان روی متحد خود را مورد تجدید نظر قرار دهند. در نتیجه، تعهد هسته‌ای ایالات متحده به کره جنوبی به‌طور فزاینده‌ای مبتنی بر وعده‌هایی است که بعید به نظر می‌رسد در صورت وقوع بحران عملی شوند. دیگر اطمینان‌داه صرف برای سئول کافی نیست و ایالات متحده و کره جنوبی باید راهبرد خود را برای بازآرندگی هسته‌ای در شبه‌جزیره کره به‌روز کنند. راه‌حل این مشکل در تاریخ اروپا در دوران جنگ سرد ذکر شده است؛ زمانی که اتحاد جماهیر شوروی به تسلیحات هسته‌ای مسلح شد که از قابلیت تهاجم به ایالات متحده برخوردار بودند و همین امر متحدان آمریکا را نگران کرد. آنها با خود این سوال را مطرح می‌کردند که آیا واشنگتن جان شهروندان خود را برای دفاع از اروپا به خطر خواهد انداخت یا نه. این بیم ترس یا تجدید وعده همبستگی واشنگتن فروکش نکرد، بلکه متحدان ایالات متحده در ناتو، از میان مجموعه‌ای از گزینه‌ها در امتداد یک «پیوستار هسته‌ای» دست به انتخاب زدند؛ استقرار سلاح‌های هسته‌ای ایالات متحده در خاک خود، اشتراک‌گذاری هسته‌ای و زرادخانه‌های هسته‌ای مستقل اروپا.

این سیاست به حفظ صلح در دهه‌های بعد کمک کرده است. امروزه همان گزینه‌ها در اختیار کره جنوبی قرار دارند. سئول باید با واشنگتن همکاری کند تا بازآرندگی خود را در برابر پیونگ یانگ تقویت کند و پایه محکم‌تری برای اتحاد آمریکا و کره جنوبی در درازمدت فراهم سازد. کره جنوبی متحد مهمی برای ایالات متحده به شمار می‌رود. این کشور که در یک منطقه راهبردی حیاتی جهان واقع شده است، یک دموکراسی پر جنب‌وجوش با اقتصاد بازاری پر رونق و صنعت فناوری پیشرو است. به علاوه، سئول از ورود نیروهای آمریکایی به کشورش برای زندگی و آموزش در زمان صلح استقبال می‌کند و در میان متحدان ایالات متحده به لحاظ میزان سهم در مسائل دفاعی خود، موقعیت قابل توجهی دارد.

دستیابی کره‌شمالی به تسلیحات هسته‌ای در سال ۲۰۰۶، بحرانی را برای سئول و واشنگتن ایجاد کرد، اما منطق اساسی اتحاد بین آنها را به چالش نکشید؛ زیرا اگر کره‌شمالی، چه دارای سلاح هسته‌ای و چه بدون آن، به کره جنوبی حمله می‌کرد، ارتش‌های متعارف بسیار برتر ایالات متحده و کره جنوبی می‌توانستند آنها را متوقف کنند. اگر هم کره‌شمالی آنقدر احمق بود که از تسلیحات هسته‌ای استفاده بکند، ایالات متحده دست به تلافی می‌زد. کره‌شمالی می‌توانست عرض‌اندام کند، اما انجام یک حمله نظامی در مقیاس بزرگ از ابتدا شکست خورده بود. پیونگ یانگ به دام افتاده بود. با این حال، تحولات هسته‌ای اخیر کره‌شمالی، تهدیدی بسیار جدی‌تر برای این اتحاد محسوب می‌شود. کره‌شمالی که در ابتدا با چند بمب شکافت کوچک شروع کرده بود، اکنون در حال ساخت سلاح‌های گرم هسته‌ای بسیار مخرب‌تری است. پیونگ یانگ همچنین در حال آزمایش موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایی است که می‌توانند به ایالات متحده برسند. یک دهه پیش، دفاع از کره جنوبی مستلزم آن بود که ایالات متحده جان پرسنل نظامی ایالات متحده را به خطر بیندازد؛ بهای بالایی که با این حال واشنگتن مایل به پرداخت آن بود. اما امروز دفاع از کره جنوبی خطر از دست دادن چندین شهر ایالات متحده را به همراه دارد.

جنگ در شبه‌جزیره کره ممکن است در نتیجه تجاوز حساب شده پیونگ یانگ، تصادف، ادراک نادرست یا حتی فروپاشی نسبی رژیم کره‌شمالی که کره جنوبی را مجبور به حرکت به سمت شمال می‌کند، رخ دهد. صرف نظر از منشأ درگیری، دولت کره‌شمالی برای استفاده از تسلیحات هسته‌ای خود تحت فشار خواهد بود. پیونگ یانگ می‌تواند از این تسلیحات به‌صورت تهاجمی و برای نابودی نیروهای کره جنوبی استفاده کند اما احتمالاً این تسلیحات را برای جنبه دفاعی به کار خواهد گرفت؛ مثلاً وادار کردن کره جنوبی و ایالات متحده به توقف جنگ قبل از اینکه آن‌ها بتوانند به پیونگ یانگ برسند. کره جنوبی برای جلوگیری از تشدید تنش هسته‌ای کره‌شمالی به چتر هسته‌ای ایالات متحده وابسته است. اما از آنجایی که شهرهای سراسر ایالات متحده در محدوده موشک‌های پیونگ یانگ قرار گرفته‌اند کره جنوبی درباره تضمین‌های واشنگتن مبنی بر اینکه بدون توجه به هزینه‌ها در کنار سئول خواهد بود به تردید افتاده است. کره‌شمالی هم بدون شک همین محاسبات را انجام داده است و به همین دلیل است که پیونگ یانگ روی ساخت موشک‌هایی که بتوانند به خاک آمریکا برسند سرمایه‌گذاری کرده است.

این تغییرات به‌تدریج آشکار می‌شوند. قابلیت‌های موشک‌های بین‌قاره‌ای پیونگ یانگ هنوز نابالغ است. علاوه بر این، تا زمانی که ایالات متحده از توانایی‌های ضدحمله موثری برخوردار باشد، می‌تواند در برابر حمله هسته‌ای کره‌شمالی به کره جنوبی با حمله به زرادخانه هسته‌ای باقی‌مانده پیونگ یانگ دست به انتقام بزند. اما با افزایش برد، قابلیت اطمینان و تعداد موشک‌های کره‌شمالی، تضادهای موجود در تعهدات هسته‌ای ایالات متحده

در قبال سئول دشوارتر خواهند شد. کره جنوبی و ایالات متحده باید راهبرد جدیدی برای بازآرندگی در شبه‌جزیره بیابند.

راه‌حل ناتو

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده و متحدان اروپایی آن با معضلی مواجه شدند که مشابه مشکل فعلی سئول و واشنگتن است. ناتو از زمان تاسیس خود در سال ۱۹۴۹ - زمانی که نیروهای نظامی متعارف شوروی دست بالاتر را داشتند - برای جلوگیری از حمله شوروی عمدتاً به سلاح‌های هسته‌ای ایالات متحده متکی بود. تهدیدات هسته‌ای ایالات متحده در ابتدا معتبر بودند زیرا زرادخانه هسته‌ای شوروی نمی‌توانست به خاک ایالات متحده برسد. بنابراین، شوروی با تسلیحات هسته‌ای با متعارف خود به اروپا حمله می‌کرد، اتحاد جماهیر شوروی نابود می‌شد و تقریباً آسیبی هم به ایالات متحده وارد نمی‌شد. اما اعتبار تضمین‌های هسته‌ای ایالات متحده پس از مدتی از بین رفت. اتحاد جماهیر شوروی بمب‌افکن‌هایی ساخت که می‌توانست به ایالات متحده برسد و بعداً موشک‌های قاره‌پیمای هم تولید کرد. این کشور در اوایل دهه ۱۹۶۰ از یک آستانه بسیار مهم عبور کرد؛ زمانی که زرادخانه‌ای را ساخت که نیروهای ایالات متحده دیگر نمی‌توانستند با اطمینان آن را نابود کنند. تهدید هسته‌ای آمریکا دیگر اعتبار خود را از دست داده بود. به هر حال، چرا ایالات متحده در زمانی که ممکن بود با ضدحمله هسته‌ای شوروی به خاک خود روبه‌رو شود، باید در برابر حمله شوروی به اروپا دست به تلافی می‌زد؟ همان‌طور که رئیس‌جمهور فرانسه شارل دوگل از جان‌اف‌کنندگی رئیس‌جمهور ایالات متحده پرسید، آیا ایالات متحده واقعا «نیویورک را با پاریس مبادله خواهد کرد؟» کندی و جان‌سنایان به دنبال این بودند که به متحدان خود اطمینان دهند که این کار را خواهند کرد، اما رهبران اروپایی متقاعد نشدند. محاسبات بازآرندگی در اروپا تغییر کرده بود. بنابراین ناتو خود را با شرایط جدید تطبیق داد. این اتحاد اولاً برای متقاعد کردن شوروی مبنی بر اینکه که هر حمله بزرگی منجر به جنگ هسته‌ای خواهد شد راهبردهایی را ایجاد کرد. اولاً، ایالات متحده تعداد زیادی سلاح هسته‌ای تاکتیکی را برای استفاده در زمان جنگ به اروپا انتقال داد. این تسلیحات با دادن گزینه‌هایی به رئیس‌جمهور برای دفاع از ناتو بدون آغاز یک جنگ هسته‌ای راهبردی تمام‌عیار، اعتبار ائتلاف را افزایش داد. تهاجم توسط شوروی باعث ضدحمله‌های تاکتیکی هسته‌ای به نیروهای نظامی آنها می‌شد و پاسخی معتبرتر در مقایسه با حمله هسته‌ای انتحاری ایالات متحده به خاک روسیه به شمار می‌رفت. تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی ایالات متحده هنوز هم در خاک اروپا باقی است.

راهبرد دوم برای تقویت بازآرندگی هسته‌ای در اروپا، اشتراک سلاح‌های هسته‌ای با متحدان آمریکا در ناتو بود. براساس این طرح، ایالات متحده تسلیحات هسته‌ای خود را در خاک اروپا نگه می‌داشت تا اروپایی‌ها بتوانند در صورت وقوع یک جنگ بزرگ از آن استفاده کنند. نیروهای نظامی اروپایی برای استفاده از تسلیحات هسته‌ای ایالات متحده مجهز شده و آموزش دیده بودند. مهم‌ترین نکته هم این بود ایالات متحده قول داده بود در صورت قریب‌الوقوع بودن جنگ، کنترل این تسلیحات را به متحدان خود واگذارد. در اصل، این امکان به دولت‌های اروپایی اجازه می‌داد تا از تسلیحات هسته‌ای برای دفاع از کشورهای خود استفاده کنند- حتی اگر ایالات متحده در مواجهه با تهدیدات شوروی متزلزل عمل کند. از آنجایی که این تسلیحات در زمان صلح تحت کنترل ایالات متحده باقی می‌مانند، این تصمیم ناقض پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای هم که کشورهای غیرهسته‌ای را از کنترل سلاح‌های هسته‌ای منع می‌کند، به شمار نمی‌رود.

دو عضو ناتو هم راهبرد سوم را دنبال کردند: دستیابی به

زرادخانه‌های هسته‌ای برای خود. بریتانیا در سال ۱۹۵۲، چندین سال قبل از اینکه بمب‌افکن‌های دوربرد شوروی ایالات متحده را در معرض خطر قرار دهند، دست به تولید سلاح هسته‌ای زد. تصمیم لندن تا حدی ناشی از نگرانی درباره پایداری تعهد ایالات متحده بود. تصمیم فرانسه برای تولید زرادخانه خود در سال ۱۹۶۰ نیز بر اثر تردید درباره تعهد ایالات متحده برای دفاع از اروپا تقویت شد.

مسئله بازآرندگی ناتو در دوران جنگ سرد، همان مشکل امروز کره جنوبی است. این کشور برای جلوگیری از حمله هسته‌ای به ایالات متحده متکی است اما اگر ایالات متحده به تعهدات هسته‌ای خود در قبال سئول عمل کند و در مقابل شهرهای آمریکا تخریب شود، این اقدام غیرمنطقی یا خطرناک خواهد بود. در مواجهه با این مشکل در نیم‌قرن پیش، متحدان اروپایی به این نتیجه رسیدند که به چیزی بیش از تضمین‌های شفاهی و سمبلیک تعهد از سوی ایالات متحده نیاز دارند، بنابراین آنها سیاست‌هایی را از پیوستار هسته‌ای اتخاذ کردند. کره جنوبی باید درس گرفتن از تجارب ناتورا مورد بررسی قرار دهد.

انتخاب‌ها، انتخاب‌ها، انتخاب‌ها

کره جنوبی و ایالات متحده گزینه‌های مختلفی را پیش رو دارند؛ در یک سر این پیوستار، ایالات متحده به‌سادگی می‌تواند برای نشان دادن تعهد خود به این اتحاد، دست به ارسال ناوهای هواپیمابر و زیردریایی‌های بیشتر به بنادر کره جنوبی یا پرواز هواپیماهای دارای قابلیت اتمی بیشتر بر فراز شبه‌جزیره بزند. بنابر گزارش‌های موجود، مقامات ایالات متحده و کره جنوبی اکنون با جزئیات بیشتری درباره برنامه‌های هسته‌ای خود صحبت می‌کنند؛ چیزی که واشنگتن در گذشته در برابر آن مقاومت کرده بود. برخی تحلیلگران آمریکایی پیشنهاد ایجاد یک نسخه آمریکایی - کره جنوبی از گروه برنامه‌ریزی هسته‌ای ناتورا برای رسمی کردن بحث درباره بازآرندگی در شبه‌جزیره کره ارائه کرده‌اند.

با این حال این اقدامات تا حد زیادی نمادین هستند و نمی‌توانند مشکل بازآرندگی را حل کنند. چالش پیش‌روی بازآرندگی، فقدان نزدیکی در روابط ایالات متحده و کره جنوبی نیست، بلکه این واقعیت است که انتقام از طرف متحد خود، ایالات متحده را در معرض نابودی قرار خواهد داد. چنین وعده‌هایی، حتی زمانی هم که به دوستان نزدیک داده شوند، با ناپاوری نگرینسته می‌شوند. کم‌اینکه در دهه ۱۹۵۰ هم، ایالات متحده متحدی نزدیک‌تر از شرکای اروپایی خود نداشت، اما تضمین‌های واشنگتن برای متقاعد کردن آنها به تعهد این کشور به امنیت کافی نبود.

یک گزینه دیگر در امتداد این پیوستار هسته‌ای درخواست سئول برای استقرار تسلیحات هسته‌ای ایالات متحده در کره جنوبی است، کره در دوران جنگ سرد هم میزبان زرادخانه کوچکی از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی ایالات متحده بود. چنین استقراری نشان‌دهنده آمادگی واشنگتن برای استفاده از این سلاح‌ها در صورت نیاز خواهد بود و به رئیس‌جمهور ایالات متحده انتخاب‌های بیشتری برای حملات تاکتیکی در برابر تهاجم هسته‌ای کره‌شمالی به کره جنوبی خواهد داد. با این حال این گزینه در نهایت با همان محدودیت‌پشین روبه‌رو خواهد شد؛ درگیر شدن در یک جنگ هسته‌ای تاکتیکی برای دفاع از کره جنوبی همچنان خاک ایالات متحده را در معرض خطر جدی قرار خواهد داد.

گزینه دیگر هم اشتراک هسته‌ای است که از سیاست ناتو است. کره جنوبی به چیزی بیش از تضمین‌های نمادین از سوی ایالات متحده نیاز دارد. به علاوه با توجه به هنجارهای جهانی علیه اشاعه هسته‌ای، توانایی هسته‌ای مستقل برای کره جنوبی ممکن است یک تغییر ناگهانی و دفعتی باشد. با این حال این کره جنوبی به‌عنوان یک کشور مستقل و مطیع قانون است که می‌تواند درباره این مورد تصمیم بگیرد؛ آن هم در حالت ایده‌آل با مشورت آمریکا.

کره‌شمالی خواهد بود. به یک معنا، اشتراک هسته‌ای بازآرندگی را معتبرتر خواهد کرد. اگر در طول یک بحران، واشنگتن تسلیحات را به کنترل سئول منتقل کند، کره‌شمالی باید انتظار داشته باشد که کره جنوبی در صورت حمله از خود دفاع خواهد کرد. اما کره جنوبی‌ها ممکن است تردید داشته باشد که آیا آمریکایی‌ها واقعا کنترل این تسلیحات را در اختیار آنها خواهند گذاشت یا نه. بنابراین اشتراک تسلیحات هسته‌ای با کره جنوبی مبتنی بر این فرض ضعیف است که رهبران ایالات متحده برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای برای مقابله به مثل در برابر حمله کره‌شمالی بسیار محتاط هستند، اما در بحبوحه بحران به اندازه کافی جسورند که این تسلیحات را به کره جنوبی منتقل کنند.

هسته‌ای را می‌توان به‌عنوان گامی موقت به‌سوی یک قابلیت بازآرندگی نیست، اما ممکن است بخشی از راه‌حل باشد. این روش به احتمال زیاد خواهد توانست حمایت دیپلماتیک از طرف شرکای کلیدی آمریکا را به خود جلب کند. اعضای ناتو که از توافقنامه‌های اشتراک هسته‌ای استفاده می‌کنند، احتمالاً در انتقاد از اجزایی کردن طرحی مشابه برای کره جنوبی تردید خواهند داشت؛ عضوی از آن بی‌تی که با تهدیدهای یک قدرت هسته‌ای منزوی مواجه است. علاوه بر این، ترتیبات اشتراک هسته‌ای را می‌توان به‌عنوان گامی موقت به‌سوی یک قابلیت هسته‌ای مستقل در نظر گرفت. این ترتیبات به کره جنوبی امکان آموزش و برنامه‌ریزی ارزشمندی را برای اجزایی کردن عملیات‌های هسته‌ای ارائه خواهد داد. از این نظر، اشتراک هسته‌ای هم جایگزینی برای بازآرندگی مستقل کره جنوبی است و هم هشدار می‌است که اقدامات کره‌شمالی سئول را به‌سمت در اختیار گرفتن بمب‌سوق می‌دهد.

آخرین گزینه در مورد پیوستار هسته‌ای همان گزینه‌ای است که بریتانیا و فرانسه در طول جنگ سرد اتخاذ کردند: توسعه یک زرادخانه هسته‌ای مستقل. این گزینه بازآرندگی را در شبه‌جزیره کره به حد اکثر می‌رساند، زیرا پیونگ یانگ می‌داند که سئول در صورت استفاده کره‌شمالی از سلاح‌های هسته‌ای علیه جنوب، تلافی خواهد کرد. یک نظرسنجی در سال ۲۰۲۳ نشان داد که بیش از ۷۰ درصد از مردم کره جنوبی طرفدار داشتن زرادخانه هسته‌ای مستقل هستند.

نکته مهم آن است که این گزینه مطابق ان بی‌تی هم قانونی به‌شمار می‌رود. این معاهده اعلام می‌دارد که هر عضوی می‌تواند در صورتی که «رویدادهای فوق‌العاده مرتبط با موضوع این معاهده، منافع عالی کشورش را به خطر اندازد، از آن خارج شود.» تهدید کره‌شمالی به‌راحتی باعث خروج قانونی سئول از این معاهده می‌شود. کره‌شمالی به نقض قطعنامه خلع سلاح اتمی کره در سال ۱۹۹۲، چندین قطعنامه قانونی الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل و چهارچوب توافق شده ۱۹۹۴ را که در آن متعهد شده بود برنامه توسعه سلاح‌های هسته‌ای خود را متوقف کند، نقض کرده است. کره‌شمالی به نقض قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت درباره ممنوعیت آزمایش تسلیحات و موشک‌های هسته‌ای ادامه می‌دهد. به علاوه کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی دائماً تهدیدات هسته‌ای علیه کره جنوبی و شرکای آن انجام می‌دهد. کره جنوبی فقط باید دست به اخطر سه‌ماهه بزند و سپس از نظر قانونی آزاد خواهد بود که از فرانسه و بریتانیا الگوبرداری کند و یک زرادخانه متوسط برای جلوگیری از حملات هسته‌ای بسازد. دو گزینه میانی - استقرار تسلیحات هسته‌ای ایالات متحده و اشتراک سلاح‌های هسته‌ای - بهترین گزینه در دسترس سئول است. کره جنوبی به چیزی بیش از تضمین‌های نمادین از سوی ایالات متحده نیاز دارد. به علاوه با توجه به هنجارهای جهانی علیه اشاعه هسته‌ای، توانایی هسته‌ای مستقل برای کره جنوبی ممکن است یک تغییر ناگهانی و دفعتی باشد. با این حال این کره جنوبی به‌عنوان یک کشور مستقل و مطیع قانون است که می‌تواند درباره این مورد تصمیم بگیرد؛ آن هم در حالت ایده‌آل با مشورت آمریکا.